

چگونگی هدایت انسان در قرآن

انسان يك موجود زنده فكري و عقلي است و کیفیت هدایت او به آن است که اصل حیات او هدایت شود و حیات به معنای آگاهی یا کوشش یا مجموع هر دو یعنی درک و فعل نیست...



انسان يك موجود زنده فكري و عقلي است و کیفیت هدایت او به آن است که اصل حیات او هدایت شود و حیات به معنای آگاهی یا کوشش یا مجموع هر دو یعنی درک و فعل نیست، بلکه حیات حقیقت و سنخ خاص وجودی است که علم و قدرت هماهنگ در او یافت می‌شود و از او ظهور می‌کند، به گونه‌ای که افزون بر درک امور نظری، مطالب عملی را نیز می‌فهمد و برابر همان آگاهی می‌کوشد؛ یعنی علم او در عمل او مؤثر است و عمل او فقط از علم او الهام می‌گیرد و هرگز بدون آگاهی کاری را انجام نمی‌دهد.

هر که این انسجام در او ضعیف باشد، حیاتش ضعیف‌تر است و ضعف حیات به آن است که فاقد توان علمی یا قدرت عملی باشد یا هماهنگی علم و عمل تعادل لازم خود را باز نیابد. از این رو در فرهنگ قرآن فقط انسان مهتدی زنده است و شخص ضال مرده. زیرا تنها مهتدی است که از حقیقت حیات به همان معنای پیش گفته برخوردار است و بهترین روش هدایت انسان زنده جهت بخشیدن به حیات او، و شکوسازی انسجام فهم و کار اوست.

ادعای قرآن کریم این است که بهترین راه و نیکوترین روش هدایتی را به همراه دارد؛ إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ و بیشتر المؤمنین الذین یعملون الصالحات اَنْ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا (1) قرآن کریم روح انسانی را که همان حیات اوست، به بهترین روش رشد می‌دهد که هم مسائل سودمند و مطالب حکیمانه را به خوبی می‌فهمد، هم راه دستیابی به حکمت عملی را پیش‌روی او قرار می‌دهد که به خوبی ببیند، هم زمینه این انسجام را فراهم می‌کند.

بنابراین، رهنمودهای علمی محض، روش ناتمام در هدایت است و رهبری‌های عملی محض نیز هدایت ناقص است و بهترین روش هدایت‌گرانه آن است که رهنمود علمی در کنار رهبری عملی تحقق یابد و رهبری کوشش در پرتو رهنمود بینش صورت پذیرد؛ چنان‌که در رهبری‌های علمی بهترین روش آن است که مسائل نظری در آغوش مطالب عملی توجیه شود و حکمت عملی در سایه حکمت نظری بیان گردد که این دو رشته از همدیگر گسیخته نباشد و عالم یک رشته از رشته دیگر بی‌خبر نماند و همچنین عالم صاحب‌نظر از کوشش عملی باز نایستد و عامل ساعی از بینش نظری نابینا نماند.

گاهی علم و عمل در جهان طبیعت از یکدیگر جدا و در موارد استثنائی بدون دیگری یافت می‌شوند، ولی در ماوراء طبیعت و عالم مینو ارتباط آنها نیرومند، بلکه عین یکدیگرند.

انسان که مسافر عالم آخرت است، باید راه علم و عملش چنان هماهنگ باشد که در پایان سفر به صورت یک حقیقت علیم قدیر درآید و مظهر کامل علیم و قدیر ذاتی و صرف، یعنی ذات اقدس خداوندی شود.

بدین‌جهت رسالت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در سه اصل خلاصه شده است؛ یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة (2) تلاوت آمیخته با حلاوت قبلاً بیان شد و اکنون کیفیت هدایت و تعلیم و تزکیه انسان مطرح است.

1 - سوره اسراء، آیه 9.

2 - سوره جمعه، آیه 2.

هدایت در قرآن، ص 243-247.